

# The Impact of Macro Policies on the Financial and Administrative Independence of the Social Security System



\*Alireza Salehi<sup>1</sup>, Javad Khaligh<sup>2</sup>, Aghileh Heidari<sup>3</sup>

1. MA in Governmental, Financial, and Public Budget Management, Islamic Azad University, Saveh Branch, Saveh, Iran
2. Faculty Member and the Dean of Islamic Azad University, Saveh Branch, Saveh, Iran
3. Faculty Member of Mashhad University, Mashhad, Iran



**Citation:** Salehi, A., Khaligh, J & Heidari, A. (2021). [The Impact of Macro Policies on the Financial and Administrative Independence of the Social Security System]. *Quarterly Journal of the Macro and Strategic Policies*, 8 (4), 624-653. <https://doi.org/10.30507/JMSP.2021.108219>

<https://doi.org/10.30507/JMSP.2021.108219>



**Funding:** See Page 651

**Received:** 10/02/2019

**Accepted:** 12/11/2020

**Available Online:** 12/21/2020

**Article Type:** Research Paper

## Key words:

General policies of the system; financial and administrative independence; social security organization; social security system.

## ABSTRACT

Today, the government is trying to create financial and administrative independence in organizations and social funds in order to reduce its direct obligations (article 29 of the constitution) and increase the efficiency of organizations. In this research, using research backgrounds and interviews with experts, we examined the nature and form of various factors influenced by macro policies on the financial and administrative independence of the social security system. The factors influencing the executive, legislative, and mechanism sectors were investigated as well. Legislative and social security organizations were the focus of the study, based on which the challenges and factors affecting the topic are first identified by studying and interviewing social security experts and other related groups, and then the extent and manner of the relationship between the various factors and their effectiveness were analyzed. The organization was also evaluated by experts and properties, and ultimately the indicators and sub-areas related to the challenges of financial and administrative independence of the social security organization were leveled by the ism method (table 3). The analysis of macroeconomic factors shows how they influence the political and managerial levels and layers of the country as the most influential (direct) factors. In the following, a review of the factors arising from the legislative and executive branch is given and they are identified as intermediate (effective and effective) factors. Finally, the social security organization is considered as the most influential layer.

**JEL Classification:** E44, E2, E0, B22.

## \* Corresponding Author:

**Alireza Salehi**

**Address:** Islamic Azad University, Saveh Branch, Saveh

**Tel:** +98 (912) 2836540

**E-mail:** alireza\_salehi7@yahoo.com

## تأثیر سیاست‌های کلان بر استقلال مالی و اداری نهادهای نظام تأمین اجتماعی

\* علیرضا صالحی<sup>۱</sup>، جواد خلیق<sup>۲</sup>، عقیده حیدری<sup>۳</sup>

۱. کارشناسی ارشد مدیریت دولتی، مالی و بودجه عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه، ساوه، ایران
۲. هیئت علمی و رئیس دانشگاه آزاد واحد ساوه، ساوه، ایران
۳. عضو هیئت علمی دانشگاه مشهد، مشهد، ایران

## چکیده

تاریخ دریافت: ۲ آبان ۱۳۹۸  
تاریخ پذیرش: ۲۱ آذر ۱۳۹۹  
تاریخ انتشار: ۱ دی ۱۳۹۹

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

## کلیدواژه‌ها:

سیاست‌های کلی نظام،  
استقلال مالی و اداری،  
سازمان تأمین اجتماعی،  
نظام تأمین اجتماعی.

امروزه دولت در راستای کاهش تعهدات مستقیم خود (اصل ۲۹ قانون اساسی) و همچنین افزایش کارایی سازمان‌ها، حداقل بر روی کاغذ، سعی در ایجاد استقلال مالی و اداری در سازمان‌ها و صندوق‌های اجتماعی دارد. در این پژوهش، با استفاده از پیشینه تحقیق و مصاحبه با خبرگان به بررسی ماهیت و شکل عوامل مختلف ناشی از (تأثیر) سیاست‌های کلان بر استقلال مالی و اداری نظام تأمین اجتماعی و همچنین عوامل متأثر از قوه مجریه و قوه مقننه و سازوکار قانون‌گذاری و البته سازمان تأمین اجتماعی بر استقلال مالی و اداری نظام تأمین اجتماعی پرداخته شده است. بر همین اساس، ابتدا چالش‌ها و عوامل اثرگذار بر موضوع از طریق مطالعه و مصاحبه با کارشناسان سازمان تأمین اجتماعی و گروه‌های مرتبط شناسایی شده و سپس میزان و نحوه ارتباط میان عوامل مختلف و اثرپذیری سازمان مورد قضاوت خبرگان و خواص قرار گرفته است. در نهایت شاخص‌ها و زیرشاخص‌های مرتبط با چالش‌های استقلال مالی و اداری سازمان تأمین اجتماعی با روش ISM سطح‌بندی شده است. تجزیه و تحلیل عوامل متأثر از سیاست‌های کلان نحوه تأثیر آن‌ها بر سطوح و لایه‌های سیاسی و مدیریتی کشور را به‌عنوان اثرگذارترین عوامل (مستقیم) شناخته است. در ادامه به‌اختصار به بررسی عوامل ناشی از قوه مقننه و قوه مجریه نیز پرداخته شده و به‌عنوان عوامل میانجی (اثرگذار و اثرپذیر) شناخته شده‌اند. در نهایت سازمان تأمین اجتماعی اثرپذیرترین لایه معرفی شده است.

طبقه‌بندی JEL: E0, B22, E44

\* نویسنده مسئول:

علیرضا صالحی

نشانی: ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه

تلفن: ۰۲۸۳۶۵۴۰ (۹۱۲) ۹۸+

پست الکترونیک: alireza\_salehi7@yahoo.com

## ۱. مقدمه

در ایران طبق قانون اساسی (اصل ۲۹)، وظیفه اصلی تأمین حداقل‌های زندگی برای آحاد جامعه برعهده قوه مجریه (دولت) است. اما در حال حاضر نظام تأمین اجتماعی ایران متشکل از نهادها و سازمان‌های مختلفی است که با منابع مختلفی نقش خود را ایفا می‌کنند. در این میان، گروهی مانند سازمان بهزیستی بر مبنای نظام غیرمشارکتی (منابع عمومی دولتی)، گروه دیگر مانند صندوق‌های بازنشستگی به صورت مشارکتی (با گروه ذی‌نفع محدود) و همچنین گروهی دیگر به شکل مشارکتی عمومی غیردولتی (خیریه) نقش‌آفرینی می‌نمایند.

این تنوع و مدیریت جزیره‌ای در نهادها و سازمان‌های خدمت‌رسان و تشکیل به‌مرور آن‌ها در طول مدیریت‌های مختلف زمانی از یک سو و شرایط سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری و همچنین اجرایی و نظارتی در میان شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و البته سیاسی کشور از سوی دیگر، چالش‌ها و پیچیدگی‌هایی با ابعاد مختلف را برای مدیریت نظام تأمین اجتماعی ایجاد کرده است.

این پیچیدگی‌ها به نظامی مستقل، چندلایه و منسجم نیاز دارد و تشکیل این نظام جامع یک سیاست کلی در سطح کلان حاکمیت را می‌طلبد تا نقشه راه و الگوی اصلی برای هم‌افزایی ارکان مختلف نظام باشد. ولی آیا سیاست‌های ابلاغ‌شده تاکنون و عوامل متأثر از آن پاسخ‌گوی این نیاز و چالش‌های موجود بوده است؟

در این مقاله، با نگاهی متفاوت و کلان به این موضوع نگرین شده و به بررسی ماهیت و شکل عوامل مختلف ناشی از تأثیر سیاست‌های کلان بر استقلال مالی و اداری نظام تأمین اجتماعی» و همچنین عوامل متأثر از قوه مجریه و مقننه و سازوکار قانون‌گذاری و البته سازمان تأمین اجتماعی پرداخته شده است؛ اما به دلیل فقدان نظامی یک‌پارچه که خود یکی از اصلی‌ترین چالش‌های این نظام به‌شمار می‌رود، به اجبار سازمان تأمین اجتماعی به‌عنوان بزرگ‌ترین عضو نظام تأمین اجتماعی و نماینده نظام تأمین اجتماعی برگزیده شده است.

شایان ذکر است در این مقاله عوامل مؤثر و چالش‌های متأثر از آن‌ها در چهار سطح سازمان و نظام تأمین اجتماعی، قوه مقننه، قوه مجریه و سیاست‌های کلان بررسی شده است. اما فقط به تأثیرات سیاست‌های کلان پرداخته شده و بیان سایر اطلاعات تنها در راستای شفافیت و ملموس بودن ابعاد جنبی موضوع بوده است که در مقالات دیگر به تفصیل بیان می‌شود.

## 1. executive power

از جنبهٔ درنظر گرفتن تمام قوانین بالادستی، از جمله سیاست‌های کلی اصل ۴۴ اقتصاد مقاومتی برنامه‌های توسعه بودجهٔ سالیانه و البته نوع نگاه کاربردی جهت رفع موانع استقلال مالی و اداری سازمان تأمین اجتماعی نو و جدید است. در پژوهش حاضر، ابتدا به شناسایی شاخص‌ها (معیارها) و زیرشاخص‌های موانع استقلال مالی و اداری سازمان تأمین اجتماعی پرداخته شده و سپس اثرپذیری و اثرگذاری معیارها مورد بررسی قرار گرفته است. به دلیل تعدد شاخص‌ها، چندگانگی قابلیت‌ها، پیچیدگی تصمیم‌گیری‌ها، برخورد مناسب و علمی با ابهام و عدم اطمینان ذاتی این‌گونه بررسی‌ها و همچنین تأثیر درونی مؤلفه‌ها، روش ترکیب روش دیمتل و مدل‌سازی ساختاری تفسیری<sup>۲</sup> (ISM) درنظر گرفته شده است. در این راستا ابتدا بر مبنای نظر خبرگان، با استفاده از روش ISM به سطح‌بندی معیارهای شناسایی شده و سپس تعیین روابط بین معیارها پرداخته شده است.

گفتنی است که این مقاله قسمتی از پایان‌نامهٔ مقطع کارشناسی ارشد علیرضا صالحی است که طرح آن با عنوان «بررسی میزان انطباق قوانین سالیانه بودجه با سیاست‌های کلی اصل ۴۴ (مورد مطالعه: استقلال مالی و اداری سازمان تأمین اجتماعی)» مورد تصویب و حمایت مؤسسهٔ عالی پژوهش تأمین اجتماعی قرار گرفته است.

## ۲. چارچوب نظری و پیشینه تحقیق

در سال‌های اخیر، صندوق‌های بازنشستگی به یکی از مهم‌ترین چالش‌های اقتصادی کشور تبدیل شده؛ به‌گونه‌ای که گسترده‌تر شدن ابعاد این چالش از طریق فشار بر بودجهٔ دولت و در مواردی ایجاد پیامدهای امنیتی و اجتماعی، چاره‌جویی برای حل بحران را به یکی از دغدغه‌های اصلی سیاست‌گذاران و کارشناسان تبدیل کرده است. این مقاله بر آن است تا به آسیب‌شناسی صندوق‌های بازنشستگی با تکیه بر ادبیات اقتصاد مالی و نظریهٔ نمایندگی بپردازد و ابعاد مختلف چالش حکمرانی در صندوق‌های بازنشستگی را واکاوی کند. چالش اصلی حکمرانی در صندوق‌های بازنشستگی را می‌توان در اثربخش نبودن سازوکارهای بیرونی حکمرانی دانست که نیاز به کارآمد بودن سازوکارهای درونی حکمرانی و به‌طور خاص هیئت امنای صندوق را دوچندان می‌کند (ابراهیم‌نژاد و کریمی، ۱۳۹۸). در سیستم جدید، اندوخته‌های افراد در بازارهای مالی سرمایه‌گذاری می‌شود تا سطح مناسبی از مستماری را برای دوران بازنشستگی تأمین کند. به دلیل انتقال ریسک از صندوق‌ها به افراد، شرط موفقیت اصلاحات را می‌توان توانایی بازارهای مالی در ایجاد بازده‌های مداوم در مقیاس بزرگ دانست. با مرور ویژگی‌ها و شناخت قابلیت‌های بازارهای مالی در ایران، شرایط لازم پیش از اجرای اصلاحات ساختاری در سیستم بازنشستگی ارزیابی شده است و از طریق ارائهٔ آمارهای توصیفی از عمق بازارهای مالی یعنی بازار پول (بانک‌ها) و بازار سرمایه (بورس)

### 2. Interpretive Structural Modeling

می‌توان دید که پس‌اندازهای تأمین اجتماعی نمی‌توانند از دستیابی به بازده مناسب در یک سطح قابل قبول از ریسک مطمئن باشند. بازارهای مالی ایران از عمق کافی برای جذب سرمایه‌های صندوق‌های بازنشستگی برخوردار نیستند. علاوه بر این، ابزارهای مالی مدیریت ریسک نیز در این بازارها وجود ندارند که باعث شده پورتفوی این صندوق‌ها در سال‌های گذشته با بازده بسیار کم و ریسک زیاد همراه باشد (خندان و رضایی‌زاویه، ۱۳۹۳).

بررسی رابطه بین مخارج سازمان تأمین اجتماعی (مخارج کل سالیانه سازمان تأمین اجتماعی) با رشد اقتصادی ایران طی دوره ۱۳۴۰ تا ۱۳۹۰ با فرض دو شاخص اصلی ۱. تعداد بیمه‌شدگان اصلی این سازمان از یک سو و ۲. متغیر رشد تولید ناخالص داخلی به‌عنوان شاخص برای رشد اقتصادی ایران از سوی دیگر نشان می‌دهد.

نتیجه آزمون علیت همسائو حاکی از وجود رابطه علیت یک‌طرفه از متغیر رشد اقتصادی به سمت متغیر مخارج سالیانه سازمان تأمین اجتماعی در کوتاه‌مدت است. در حالی که عکس این رابطه صادق نیست؛ یعنی در کوتاه‌مدت هیچ رابطه علیتی از مخارج سازمان به رشد اقتصادی وجود ندارد. برای تعیین وجود رابطه بلندمدت بین متغیرهای مذکور از آزمون هم‌انباشتگی جوهانسن - جوسلیسیوس استفاده شده است. این آزمون وجود رابطه بلندمدت بین مخارج سازمان و رشد اقتصادی را تأیید می‌کند. نیز مدل ECM حاکی از وجود رابطه هم‌گرایی بین رشد اقتصادی و مخارج سازمان است که ضریب بردار هم‌گرایی ۱۸۵/۰ می‌باشد. **نجفی‌نسب، رضازاده و قدرتی (۱۳۹۳)** به این نتیجه رسیده‌اند که مطابق مبانی نظری، در نظام سلامت اگر ۱. تنظیم‌کننده نظام (متولی) هم‌زمان ارائه‌کننده خدمات و یا ۲. تأمین‌کننده مالی هم‌زمان ارائه‌کننده خدمات باشد، تعارض منافع ساختاری ایجاد می‌شود. در نظام سلامت ایران، نقش‌های تولید، تأمین‌کننده مالی و ارائه‌کننده خدمت به‌روشنی تقسیم نشده است. وزارت بهداشت در هر سه نقش مذکور فعالیت می‌کند. سازمان تأمین اجتماعی نیز در دو حیطة تأمین‌کننده مالی و ارائه‌کننده خدمت فعال است. بخش خصوصی نیز ارائه‌کننده خدمات است. مطابق بررسی‌های انجام‌شده در این مقاله، از نظر ظاهری هم در وظایف وزارت بهداشت و هم در وظایف سازمان تأمین اجتماعی، تعارض منافع وجود دارد. ارزیابی بیشتر نشان داد از نظر ماهوی، در وظایف سازمان تأمین اجتماعی تعارض منافع وجود ندارد؛ ولی در وظایف وزارت بهداشت این تعارض مشاهده می‌شود. یافته‌ها حاکی از آن است که نظام سلامت ایران از تعارض منافع ساختاری نوع اول که شدیدتر است و حتی چون وزارت بهداشت (دولت) در وظیفه تولید و خدمت‌رسانی نقش چشمگیری دارد، دچار بدترین نوع تعارض منافع ساختاری است. راه‌حل پیشنهادی این است که ارائه خدمات از وزارت بهداشت جدا شود (**شیردل، ۱۳۹۸**). سرمایه‌گذاری عمومی در بخش‌های بهداشت، آموزش، تأمین اجتماعی و زیرساخت‌هایی مانند جاده و مخابرات اثرات مثبت و معناداری بر کاهش فقر دارد. همچنین صرف هزینه در امور اجتماعی بر کاهش فقر اثرگذار

بوده و در مقایسه با توسعه زیرساخت‌های اقتصادی منفعت بیشتری را نصیب فقرا کرده است (احمدی‌شادمهر و داودی، ۱۳۹۴).

### ۳. روش تحقیق

این تحقیق از نوع پژوهش کاربردی است؛ زیرا به منظور حل مشکل یا مسئله خاص علمی انجام شده است. هدف از پژوهش هم توسعه دانش کاربردی در یک زمینه خاص (استقلال مالی و اداری سازمان تأمین اجتماعی) است. از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، از نوع توصیفی - هم‌بستگی است. توصیفی است از این جهت که تصویری از وضعیت موجود ارائه می‌دهد و هم‌بستگی است از این نظر که به بررسی رابطه بین متغیرها در مدل مورد نظر می‌پردازد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۷، ص. ۴۵).

جامعه آماری تحقیق را کارشناسان، خبرگان و سیاست‌گزاران سازمان تأمین اجتماعی در تهران تشکیل می‌دهند. نمونه آماری با استفاده از روش هدفمند از میان افراد جامعه آماری که دارای حداقل ۱۰ سال تجربه پژوهشی یا اجرایی در حوزه مالی و اداری سازمان تأمین اجتماعی بودند، انتخاب گردید. به منظور انجام مصاحبه و شناسایی شاخص‌ها و زیرشاخص‌ها، از روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی (یافتن یک مورد که به کمک آن بقیه موارد یافت می‌شود) استفاده شد. روش مذکور مستلزم مشورت با افراد دارای اطلاعات در زمینه خاص به منظور دریافت موارد مناسب با پژوهش است. در روش گلوله‌برفی تا زمانی گردآوری اطلاعات ادامه پیدا می‌کند که به نقطه اشباع برسد؛ در واقع فرایند نمونه‌گیری تا زمانی ادامه می‌یابد که خبرگان شرکت‌کننده در پژوهش عامل جدید برای ارائه نداشته باشند و پاسخ‌ها عیناً تکرار شود. در این حالت، اصطلاحاً نمونه‌گیری به اشباع نظری رسیده است. در مصاحبه پژوهش حاضر، ۱۸ اشباع نظری اتفاق افتاد.

برای گردآوری اطلاعات هم از روش کتابخانه‌ای (اسنادی) و میدانی (پرسش‌نامه) استفاده شده است.

الف. روش کتابخانه‌ای: در این پژوهش، چالش‌های استقلال مالی و اداری سازمان تأمین اجتماعی (شاخص‌ها و زیرشاخص‌ها) با استفاده از کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها، مقالات و پایگاه‌های اطلاعاتی مرتبط با موضوع پژوهش (داخلی و خارجی) شناسایی گردید.

ب. روش میدانی: به منظور تعیین رابطه درونی بین شاخص‌ها با استفاده از روش دیمتل و همچنین طراحی مدل و تعیین سطوح شاخص‌ها و زیرشاخص‌ها با استفاده از روش ISM، به جمع‌آوری نظر خبرگان بر مبنای پرسش‌نامه استاندارد در دو روش مذکور نیاز است. در این راستا، پرسش‌نامه‌های مذکور متناظر با شاخص‌ها و زیرشاخص‌های شناسایی شده در

پژوهش طراحی و بین نمونه آماری توزیع گردید. داده‌های جمع‌آوری شده به‌عنوان ورودی دو روش دیمتل و ISM مورد استفاده قرار گرفت (شکل ۱). همچنین شایان ذکر است که دو روش دیمتل و ISM در نرم‌افزار متلب اجرا شد.



شکل ۱. فرایند پژوهش

### ۱-۳. روش دلفی

دلفی روشی گسترده، سیستماتیک و انعطاف‌پذیر است متشکل از گروه متخصصان خبره برای پیش‌بینی و تعیین اولویت‌های طرح مورد نظر که در سطح وسیع و طرح‌های مختلف به‌کار رفته است. این روش به‌ویژه برای رسیدن به اجماع در موضوعات مبهم و نامشخص و با شواهد تجربی کم بسیار کمک‌کننده است. مزایای آن گم‌نامی، به‌کارگیری رویکردهای مختلف ارتباطی، شناسایی و فهم زیربنای موضوع و به‌خصوص عدم تأثیرگذاری عقاید و شخصیت افراد خاص در نظرات گروه است. البته دارای محدودیت‌هایی همچون سیر آهسته و وقت‌گیر، امکان اجماع ظاهری، تورش منبع اطلاعات، ریزش افراد متخصص، احتمال دریافت میزان پایین پاسخ، خستگی افراد از مراحل و موضوع، نبود معیارهای کلیدی و مشخص در تعریف افراد متخصص، سطح اجماع و اندازه گروه متخصص شرکت‌کننده در مطالعه است. دلفی به‌عنوان روشی مفید برای شکل دادن به ارتباطات و توافق در گروه‌های متنوع شناخته شده است. با این حال، عدم وضوح در مورد ابزاری که با آن اجماع تعریف می‌شود و تفسیرهای مختلف حاصل از دلفی، نقاط ضعف روش‌شناختی و لزوم تصمیم‌گیری دقیق و صریح را در کاربرد آن نشان می‌دهد. در پایان، یافته‌های حاصل از روش دلفی بیانگر نظرات متخصصان است، نه یک واقعیتی غیرقابل انکار. معیارهای تصمیم‌گیری و رسیدن به اجماع کلی قبل از اجرای مطالعه باید مطابق با اهداف مطالعه به‌طور دقیق مشخص گردد و تحقیقات لازم و مناسب برای اعتبارسنجی دقیق یافته‌ها انجام شود که این فرایند به اعتبار پژوهش کمک می‌کند (رحمانی، وزیری‌نژاد، احمدی‌نیا و رضاییان، ۱۳۹۹).



شکل ۲. چارچوب نظری روش دلفی در تحقیقات کیفی

### ۱-۱-۳. اهداف و کاربرد روش دلفی

شاید بتوان گفت مهم‌ترین هدف دلفی ایجاد اجماع در میان عده‌ای از کارشناسان است. ایده اصلی این روش آن است که پاسخ‌دهندگان بدون متأثر شدن از افراد مشهور و معتبر یا افرادی که در جلسات خوب سخن می‌گویند، از دیدگاه‌های دیگران استفاده کنند (Rosenthal, Hoffmann, Clavien Bucher & Dell-Kuster, 2015). در روش دلفی، با بی‌اثر ساختن توان سخنوری اشخاص، همه نظرات غیرمعمول برای تحلیل بعدی به‌طور یکسان به اعضای گروه برگردانده می‌شود. هدف اصلی دلفی پیش‌بینی آینده بود (Tichy, 2001; Dempsey & Dempsey, 2000). اما در زمینه‌های تصمیم‌گیری و افزایش اثربخشی آن، قضاوت تسهیل حل مسئله، نیازسنجی، هدف‌گذاری، کمک به برنامه‌ریزی، تعیین اولویت، پیش‌بینی آینده، خلاقیت، سازمان‌دهی ارتباطات گروهی، جمع‌آوری گروهی اطلاعات، آموزش گروه پاسخ‌دهنده، تعیین سیاست‌ها، تخصیص منابع و اجماع یا توافق گروهی نیز به‌کار می‌رود (Abaszadegan & Torkzade, 2000).

### ۲-۲. مدل‌سازی ساختاری تفسیری (ISM)

در این پژوهش، به‌منظور تعیین سطوح هریک از متغیرهای شناسایی‌شده و طراحی مدل از روش ISM استفاده شده است. مراحل روش مذکور به این صورت است:

مرحله اول: معیارها شناسایی می‌شود.



مرحله دوم: رابطه محتوایی براساس اثرگذاری یا اثرپذیری بین هر دو متغیر و بر مبنای نظر خبرگان به صورت نمادین تعریف می‌گردد.

مرحله سوم: با استفاده از رابطه محتوایی تعیین شده بین هر دو متغیر ماتریس ساختاری خودتعاملی<sup>۲</sup> (SSIM) تشکیل می‌شود.

مرحله چهارم: با جای‌گذاری مقادیر عددی متناظر با نمادهای درون ماتریس SSIM، ماتریس دسترسی تشکیل می‌گردد. در ادامه رابطه تعدی بین متغیرها در ماتریس دسترسی بررسی و سپس ماتریس دسترسی نهایی حاصل می‌گردد.

مرحله پنجم: ماتریس دسترسی نهایی براساس اشتراکات مجموعه‌های تعریف شده سطح بندی می‌شود.

مرحله ششم: گراف رابطه بین متغیرها بر مبنای ماتریس دسترسی مشخص می‌گردد.

مرحله هفتم: مدل نهایی با جای‌گذاری نام متغیرها به جای گره‌ها حاصل می‌شود.

مرحله هشتم: مدل از لحاظ محتوایی مورد بررسی قرار می‌گیرد (آذر، خسروانی و جلالی، ۱۳۹۲، ص. ۱۱۵).

### ۳-۲-۱. ماتریس خودتعاملی ساختاری (SSIM)

در این بخش با استفاده از نظرات خبرگان (استادان دانشگاه و کارشناسان با تجربه پژوهشی و اجرایی در حوزه استقلال مالی و اداری سازمان تأمین اجتماعی) به تعیین رابطه محتوایی بین زوج متغیرها پرداخته شده است. رابطه محتوایی بین دو متغیر با استفاده از ۴ نماد تعیین می‌گردد (همان، ص. ۱۱۹).

V: اگر فقط معیار i بر معیار z اثرگذار باشد.

A: اگر فقط معیار z بر معیار i اثرگذار باشد.

X: اگر هر دو معیار i و z بر یکدیگر اثرگذار باشد.

O: اگر هیچ رابطه اثرگذاری میان دو معیار i و z وجود نداشته باشد.

### ۳-۲-۲. ماتریس دسترسی اولیه<sup>۴</sup>

با جای‌گذاری اعداد متناظر هریک از نمادها به صورت زیر در ماتریس حاصل از مرحله قبل، ماتریس دسترسی اولیه تشکیل می‌شود.

3. Structural Self-Interaction Matrix

4. Initial reachability matrix

$$\begin{aligned} V &\sim (i,j) = 1 \text{ and } (j,i) = 0 \\ A &\sim (i,j) = 0 \text{ and } (j,i) = 1 \\ X &\sim (i,j) = 1 \text{ and } (j,i) = 1 \\ O &\sim (i,j) = 0 \text{ and } (j,i) = 0 \end{aligned}$$

ماتریس دسترسی اولیه با D نشان داده می‌شود.

### ۳-۲-۳. ماتریس دسترسی نهایی<sup>۵</sup>

ماتریس دسترسی نهایی برای معیارها با اعمال رابطه تعدی بین متغیرها تعیین می‌گردد. بدین منظور، ابتدا با استفاده از ماتریس دسترسی اولیه، ماتریس M را با رابطه زیر تشکیل می‌دهیم:

$$M = D + I \quad (1)$$

که I ماتریس همانی است.

در ادامه برای تعیین ماتریس دسترسی نهایی، ماتریس M را تا زمانی به توان می‌رسانیم که رابطه زیر برقرار گردد (ماتریسی که به توان رسیده، با ماتریس قبلی برابر شود).

$$M^k = M^{k+1}, k > 1 \quad (2)$$

با دستیابی به اولین توان از ماتریس M که رابطه ۲ برقرار باشد، توقف می‌کنیم. ماتریس حاصل ماتریس دسترسی نهایی است ( $M^*$ ).

در ماتریس نهایی به دست آمده، تعداد اهایی که در سطر متناظر با یک معیار قرار می‌گیرد، در واقع بیانگر تأثیر آن معیار در معیارهای ستونی است. همچنین تعداد اهای موجود در ستون آن متغیر، بیانگر اثرپذیری آن معیار از معیارهای سطری است.

### ۳-۲-۴. مجموعه مقدم<sup>۶</sup> و دسترسی<sup>۷</sup>

هریک از معیارها دارای دو مجموعه دسترسی و مقدم است که با استفاده از ماتریس دسترسی نهایی استخراج می‌شود.

5. Final Reachability Matrix

6. Antecedent

7. Succedent

**مجموعه دسترسی (مجموع خروجی):** برای هر معیار  $i$ : تشکیل شده از معیار  $i$  و معیارهای اثرپذیر از آن معیار (معیارهایی که در سطر  $i$ ام ماتریس دسترسی نهایی، عدد متناظرشان ۱ است).

**مجموعه مقدم (مجموع ورودی):** برای هر معیار  $i$ : تشکیل شده از معیار  $i$  و معیارهای اثرگذار بر آن معیار (معیارهایی که در ستون  $i$ ام ماتریس دسترسی نهایی، عدد متناظرشان ۱ است).

**مجموعه اشتراک:** برای هر عنصر  $i$  عبارت است از اشتراک بین مجموعه دسترسی و مقدم.

به‌منظور سطح‌بندی عوامل، اگر مجموعه دسترس‌پذیری و اشتراک متناظر با هر عامل برابر باشند، آن عامل در سطح فعلی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در مرحله بعد عواملی که در سطح مذکور قرار گرفته‌اند، از ماتریس دسترسی نهایی حذف می‌شوند و سطح‌بندی عوامل باقی‌مانده ادامه می‌یابد.

نحوه سطح‌بندی عوامل بدین گونه است که هر عنصری که مجموعه دسترس‌پذیری و اشتراک یکسان دارد، در سطح اول قرار می‌گیرد. سپس عنصر مذکور از مجموعه عوامل حذف می‌گردد و این روند برای عوامل دیگر انجام می‌شود تا تمام عوامل سطح‌بندی گردند.

### ۳-۲-۵. سطح‌بندی معیارها

پس از تعیین مجموعه دسترسی و مجموعه مقدم برای هر یک از معیارها و مشخص کردن مجموعه مشترک، سطح‌بندی معیارها انجام می‌شود. معیارهایی که مجموعه مشترک با مجموعه دسترسی آن معیار برابر باشد، سطح اول اولویت را به خود اختصاص می‌دهند. با حذف این معیارها و تکرار این فرایند برای سایر معیارها، سطوح سایر معیارها نیز مشخص می‌شود. در نهایت پس از تعیین سطح برای تمام معیارها، دیاگرام ترسیم می‌گردد.

### ۳-۲-۶. روش دیمتل

تصمیمات متعدد در سازمان‌ها و همچنین مدل‌های تصمیم‌گیری، به‌منظور رفع و یا بهبود مشکل‌های مورد نظر خود، به مفروض بودن گزینه‌ها، راهکارها، شاخص‌ها و معیارهای کمی و کیفی تصمیم‌گیری نیاز دارند. روش دیمتل اثرپذیری و اثرگذاری متقابل روابط میان عناصر را با استفاده از نظریه گراف بیرون می‌کشد و امتیازها را با یک عدد نشان می‌دهد. این روش از بازخور روابط استفاده می‌کند؛ بدین معنا که هر عنصر می‌تواند در عناصر دیگر در سطوح برابر، بالاتر و پایین‌تر تأثیر بگذارد و از آن‌ها تأثیر بپذیرد. به‌منظور اجرای روش دیمتل و بعد از تعیین افراد خبره، گام‌های زیر برداشته می‌شود:

**گام اول مشخص کردن عناصر تشکیل‌دهنده سیستم:** در گام اول این روش باید به کمک یکی از روش‌های ایده‌آفرینی در خبرگان فهرستی از عوامل موجود و مؤثر در

مسئله مورد بررسی از نظر گروه خبرگان استخراج گردد. از جمله روش‌های ایده‌آفرینی که جهت جمع‌آوری عوامل مؤثر بر مسئله استفاده می‌گردد، می‌توان به روش طوفان فکر، فکرنویسی، گروه اس، دلفی یا کنفرانس اشاره کرد (احمدی شادمهر و داوودی، ص. ۶۴). قدر مسلم آن است که دستیابی به ابعاد همه‌جانبه مسئله با نظرسنجی از تعداد بیشتری از خبرگان امکان‌پذیرتر خواهد بود؛ ولی تعداد اعضای گروه خبرگان در بعضی از منابع ۱۰ تا ۱۲ نفر اعلام شده است. باید توجه کرد که کیفیت نظر خبرگان و گستره بینش آن‌ها حائز اهمیت بسیار است و میزان ادراک تک‌تک خبرگان از وجود و چگونگی رابطه بین عناصر موجود در مسئله مورد بررسی در ساختار نهایی سیستم مؤثر است.

**گام دوم تشکیل ماتریس ارتباط مستقیم:** در این گام، ابتدا با توجه به تعداد عوامل شناسایی‌شده در گام اول، مثلاً  $N$  عامل، ماتریس مربعی  $N \times N$  ترسیم می‌گردد که هر سطر متناظر با یک عامل شناسایی‌شده است. همچنین به‌طور مشابه هریک از ستون‌های ماتریس (به ترتیب قرارگیری عوامل در سطرها) متناظر با عوامل شناسایی‌شده است. به ماتریس مذکور ماتریس ارتباط مستقیم می‌گویند که با  $R$  نمایش داده می‌شود. در ادامه هریک از درایه‌های ماتریس ارتباط مستقیم  $(r_{ij})$  که متناظر با اثرپذیری معیار سطر  $i$  ام بر معیار ستون  $j$  ام است، با استفاده از نظر هریک از خبرگان و با عددی از صفر تا ۴ بر مبنای **جدول ۱** تکمیل می‌شود (عطایی، ۱۳۸۹، ص. ۴۶). ماتریس ارتباط مستقیم توسط چند نفر از خبرگان (نمونه آماری) تکمیل می‌گردد. در نهایت با استفاده از میانگین ساده نظرات ماتریس ارتباط مستقیم  $(R)$  برای اعمال گام‌های بعدی روش دیمتل تشکیل می‌گردد.

جدول ۱. میزان اثرپذیری مقیاس‌های دیمتل

میزان اثرپذیری	بی تأثیر	تأثیر بسیار کم	تأثیر کم	تأثیر زیاد	تأثیر بسیار زیاد
مقدار عددی	۰	۱	۲	۳	۴

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

**گام سوم نرمال کردن ماتریس ارتباط مستقیم:** پس از تعیین ماتریس ارتباط مستقیم معیارها با استفاده از نظر خبرگان، باید ماتریس مذکور نرمال گردد. به‌منظور نرمال‌سازی ماتریس فوق از **رابطه ۳** استفاده می‌شود.

$$n_{ij} = \frac{r_{ij}}{r} \quad (3)$$

که  $n_{ij}$  درایه‌های ماتریس نرمال  $N$  است که از تقسیم هریک از درایه‌های ماتریس ارتباط مستقیم  $(r_{ij})$  بر ماکسیمم مجموع سطری ماتریس  $E$  که با  $r$  نام‌گذاری شده است، محاسبه می‌گردد. درواقع  $r$  از رابطه زیر به دست می‌آید:

$$r = \max_{1 \leq i \leq n} (\sum_{j=1}^n r_{ij}) \quad (۴)$$

**گام چهارم محاسبه ماتریس ارتباط کامل:** در این گام، ماتریس ارتباط کامل که با  $T$  نام‌گذاری شده و نشان‌دهنده روابط بین عوامل است، با استفاده از **رابطه ۵** محاسبه می‌گردد.

$$T = N \times (I - N)^{-1} \quad (۵)$$

در  $N$  ماتریس نرمال محاسبه شده و  $I$  ماتریس همانی هم بعد  $N$  است.

**گام پنجم محاسبه میزان اثرگذاری و اثرپذیری بین عوامل (عناصر):** در این گام، ابتدا مجموع عناصر هر سطر ماتریس  $T$  محاسبه می‌شود. بردار حاصل از تمام سطرها  $T_1$  با نام‌گذاری می‌گردد. هر درایه از بردار مذکور (متناظر با هر عامل) نشان‌دهنده میزان اثرگذاری آن عامل بر سایر عوامل است (میزان اثرگذاری متغیرها). سپس مجموع عناصر هر ستون ماتریس  $T$  محاسبه می‌شود. بردار حاصل از تمام سطرها با  $T_2$  نام‌گذاری می‌گردد. هر درایه از بردار مذکور (متناظر با هر عامل) نشان‌دهنده میزان اثرپذیری آن عامل از سایر عوامل است (میزان اثرپذیری متغیرها). سپس بردارهای دستگاه مختصات دکارتی تعیین می‌گردد.

➤ بردار افقی  $(T_1 + T_2)$  نشان‌دهنده اثرگذاری هر عامل در سطح است.

➤ بردار عمودی  $(T_1 - T_2)$  نشان‌دهنده اثرگذاری هر عامل در ستون است.

موقعیت هر معیار در دستگاه مختصات دکارتی با محور عرضی  $(T_1 - T_2)$  و محور طولی  $(T_1 + T_2)$  تعیین و نمودار گرافیکی حاصل می‌گردد.

**گام ششم ترسیم نقشه روابط:** جهت تعیین نقشه روابط شبکه (NRM)<sup>۴</sup> باید حد آستانه محاسبه شود. در این راستا، میانگین درایه‌های ماتریس روابط (T) به عنوان حد آستانه در نظر گرفته می‌شود. در ادامه به منظور ترسیم روابط بین معیارها، هریک از

## 8. Network. Relationships Map

درایه‌های ماتریس T را که کمتر از حد آستانه باشد، مقدار صفر و در صورتی که بیشتر از حد آستانه باشد، مقدار ۱ می‌دهیم. در ماتریس حاصل هریک از ا‌های موجود در درایه‌های ماتریس نشان‌دهنده تأثیر درایه سطر بر ستون متناظر با آن درایه است. با توجه به این ماتریس، مدل شبکه بین معیارها ترسیم می‌گردد.

#### ۴. مطالعه موردی سازمان تأمین اجتماعی

##### ۴-۱. شناسایی موانع استقلال مالی و اداری سازمان و نظام تأمین اجتماعی

در این بخش به شناسایی و راهکارهای عملی رفع موانع و مشکلات استقلال مالی و اداری سازمان تأمین اجتماعی با روش دلفی پرداخته شده است.

گام اول بیان مسئله و امکان‌سنجی انجام تحقیق با روش دلفی: با توجه به مسئله مورد پژوهش تأیید شد.

گام دوم شناسایی و انتخاب اعضای پنل خبرگان: افرادی هستند که در شناسایی و رتبه‌بندی موانع و مشکلات استقلال مالی و اداری سازمان تأمین اجتماعی تسلط کامل دارند که به روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی شناسایی شدند (جدول ۲).

##### جدول ۲. پنل خبرگان روش دلفی

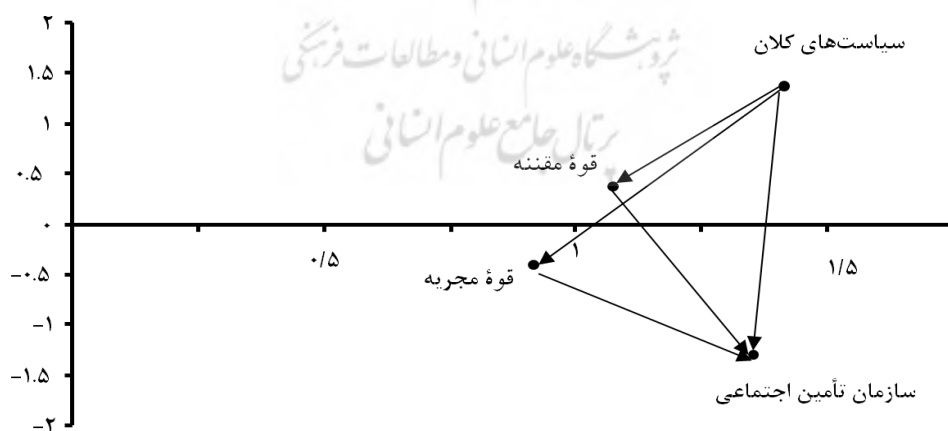
نوع فعالیت خبرگان	تعداد	سابقه فعالیت در حوزه (سال)
اعضای هیئت علمی دانشگاه	۴	تجربه پژوهشی در حوزه استقلال مالی و اداری سازمان تأمین اجتماعی
مدیران و کارشناسان و سیاست‌گذاران سازمان تأمین اجتماعی	۱۴	تجربه اجرایی در حوزه استقلال مالی و اداری سازمان تأمین اجتماعی

گام سوم تدوین پرسش‌نامه اولیه و آزمون آن در مطالعه آزمایشی: در این گام، ابتدا با استفاده از پیشینه تحقیق فهرستی از موانع و مشکلات استقلال مالی و اداری سازمان تأمین اجتماعی شناسایی گردید. سپس یک غربال اولیه انجام شد و شاخص‌های تکراری یا مترادف حذف گردید و در نهایت شاخص‌های زیر شناسایی شد.

**دور اول روش دلفی:** پس از شناسایی شاخص‌های پژوهش، پرسش‌نامه و سؤالات پژوهش براساس این شاخص‌ها تنظیم گردید. پس از طراحی پرسش‌نامه اولیه سعی شد تمام شاخص‌ها یا عوامل شناسایی شده توسط اعضای گروه مورد بررسی قرار گیرد و برای هریک از این شاخص‌ها از معادل مناسب و قابل فهمی استفاده شود. در ادامه پرسش‌نامه طراحی شده دور اول برای خبرگان ارسال گردید.

پس از جمع‌آوری پرسش‌نامه‌های تکمیل‌شده دور اول، میانگین نظر خبرگان محاسبه گردید و براساس آن به تجزیه و تحلیل پرداخته شد. در این پژوهش، براساس نظرات خبرگان، شاخص‌هایی (سؤالات) که میزان میانگین آن‌ها بیشتر از مقدار میانگین طیف (که برابر با عدد ۳ است) باشد، به‌عنوان شاخص‌های با اهمیت و کمتر از ۳ به‌عنوان شاخص‌های کم‌اهمیت شناخته شد. با توجه به مقدار میانگین به‌دست‌آمده برای هر یک از سؤالات پژوهش، مشاهده گردید که از بین ۲۶ سؤال (شاخص) پرسش‌نامه اول، ۲ سؤال دارای مقدار میانگین کمتر از مقدار میانگین طیف (یعنی عدد ۳) است؛ بنابراین این سؤالات (شاخص‌ها) به‌عنوان پرسش‌های کم‌اهمیت شناخته و از آن‌ها صرف‌نظر شد. همچنین خبرگان ۲ شاخص جدید در پرسش‌نامه‌های خود معرفی کردند.

**دور دوم روش دلفی:** با توجه به نتایج تحلیل پرسش‌نامه اول، پرسش‌نامه دوم طراحی شد. بدین منظور، سؤالاتی که در پرسش‌نامه اول کم‌اهمیت شناخته شده بود، از پرسش‌نامه حذف و از طرف دیگر ۲ سؤال جدید برای ۲ معیار جدید معرفی شده از سوی خبرگان طراحی و به پرسش‌نامه اضافه شد. پرسش‌نامه طراحی شده مجدد برای خبرگان ارسال گردید. همچنین نتایج کلی به‌دست‌آمده از پرسش‌نامه دور اول در اختیار خبرگان قرار گرفت. با توجه به تجزیه و تحلیل پرسش‌نامه‌های جمع‌آوری‌شده در دور دوم، میانگین تمام شاخص‌ها (سؤالات) بیشتر از مقدار میانگین طیف (یعنی عدد ۳) گردید. بنابراین تمام شاخص‌های معرفی شده موانع و مشکلات استقلال مالی و اداری سازمان تأمین اجتماعی هستند و هیچ شاخص جدیدی توسط خبرگان پیشنهاد نگردید. درنهایت موانع و مشکلات استقلال مالی و اداری سازمان تأمین اجتماعی انتخاب شد (جدول ۳).



جدول ۳. موانع و مشکلات استقلال مالی و اداری سازمان تأمین اجتماعی

شخص (بُعد)	زیر شاخص (محقق)	نماد
	تحریم‌های اقتصادی (ریبعی و حیدری، ۱۳۹۶؛ کریم‌نژاد، نجف‌بیگی، دانش‌فرد و عالم تبریز، ۱۳۹۳؛ طباطبائی حصری، ۱۳۹۶).	P1
	عمق کم اقتصاد ملی (مدیری و حدادی‌نیا، ۱۳۹۲؛ تابان، هاشمی و محمودیان، ۱۳۹۲).	P2
	امنیت اقتصادی و اقتصاد امنیتی (ریبعی و حیدری، ۱۳۹۶؛ کریم‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۳).	P3
	عدم یک‌پارچگی س‌یاست‌های کلان در برخورد با نظام تأمین اجتماعی (طباطبائی حصری، ۱۳۹۶).	P4
سیاست‌های کلان	نبود استراتژی ملی و بین‌نسلی با کمیت مشخص (ریبعی و حیدری، ۱۳۹۶).	P5
	فقدان نگاه سیستمی به تأمین اجتماعی از منظر عام و زوایای آن (تابان و دیگران، ۱۳۹۲).	P6
	عدم تعادل میان منابع و مصارف (ریبعی و حیدری، ۱۳۹۶؛ کریم‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۳).	P7
	پایین بودن سطح مشارکت در اقتصاد در میان واجدین شرایط اشتغال (ریبعی و حیدری، ۱۳۹۶).	P8
	سیاست‌های مؤثر بر نمودار رشد جمعیت (تابان و دیگران، ۱۳۹۲؛ کریم‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۳).	P9
	عدم شفافیت و نبود اطلاع‌رسانی کافی و بیان وظایف اصلی سازمان برای عموم (ریبعی و حیدری، ۱۳۹۶).	P10
	توزیع ناعادلانهٔ یارانهٔ اشتغال در میان شاغلان (کریم‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۳).	P11
	تناقض منافع فی‌مابین سن بازنشستگی/اشتغال جوانان/طول دورهٔ بازنشستگی (تابان و دیگران، ۱۳۹۲).	P12
قوة مجریه	عدم شفافیت در سهم دولت در حوزهٔ اجتماعی و بیمهٔ مابین مسئولیت‌ها (ملا محمدی و مستوفی، ۱۳۹۳).	E1
	نبود شفافیت در نرخ‌گذاری حقوق و فروش خدمات به عموم جامعه و دولت (طباطبائی حصری، ۱۳۹۶).	E2
	فقدان زیرساخت جامع تأمین اجتماعی و اجرای لایه‌بندی نظام تأمین اجتماعی (کریم‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۳).	E3
	نبود استراتژی بلندمدت و کوتاه‌مدت در نظام تأمین اجتماعی (پلاموندن، ۱۳۹۳؛ حسن‌زاده‌صفهانی، ۱۳۸۷).	E4
	نپرداختن بدهی‌های دولت و دلالی دولت با نقدینگی سازمان (حسن‌زاده‌صفهانی، ۱۳۸۷).	E5
	نبود سازمان رگولاتوری جهت شاکله‌بندی و نظارت بر نظام تأمین اجتماعی (مدیری و حدادی‌نیا، ۱۳۹۲).	E6
	تأخیر در پرداخت بدهی دولت، مشکلات تأمین نقدینگی و دخالت در مدیریت شرکت (ملا محمدی و مستوفی، ۱۳۹۳).	E7
قوة مقننه <sup>۹</sup>	عدم پیوستگی قوانین از سیاست‌های کلان تا دستورالعمل‌های اجرایی (ریبعی و حیدری، ۱۳۹۶).	L1
	بی‌توجهی قانون‌گذاران به ساختار سازمان تأمین (ملا محمدی و مستوفی، ۱۳۹۶).	L2
	فقدان به‌روزرسانی در قوانین و دستورالعمل‌ها و سال‌خوردگی قوانین (تابان و دیگران، ۱۳۹۲).	L3
سازمان تأمین اجتماعی <sup>۱۰</sup>	نبود ساختار قانو‌مند و کارآمد سرمایه‌گذاری در سازمان (مدیری و حدادی‌نیا، ۱۳۹۲؛ تابان و دیگران، ۱۳۹۲).	S1
	انتخاب مدیران تخصصی و اجرایی توسط مدیران سیاسی (ریبعی و حیدری، ۱۳۹۶).	S2
	نبود استقلال کافی جهت ایجاد سیستم جامع و مستقل قراردادی مالی و نحوهٔ صدور (مدیری و حدادی‌نیا، ۱۳۹۲).	S3
	دفترچهٔ درمان یکسان برای همهٔ گروه‌ها (ریبعی و حیدری، ۱۳۹۶).	S4



## ۵. سطح‌بندی شاخص‌های استقلال مالی و اداری سازمان تأمین اجتماعی با ISM

هدف اصلی این پژوهش طراحی یک مدل موانع و مشکلات استقلال مالی و اداری سازمان تأمین اجتماعی براساس مدل‌سازی ساختاری تفسیری (ISM) است. در ادامه فرایند مدل‌سازی در شش مرحله توضیح داده و یافته‌های هر مرحله به‌صورت جداگانه بیان شده است.

### ۵-۱. تعیین ماتریس مجاور

ماتریس مجاور حاوی اطلاعات لازم در مورد اجزا و روابط میان آن‌هاست. این ماتریس در جدول ۴ نشان داده شده است.

جدول ۴. ماتریس خودتعاملی ساختاری برای عوامل

سیاست‌های کلان	قوة مجریه	قوة مقننه	سازمان تأمین اجتماعی
سیاست‌های کلان	V	V	V
قوة مجریه		A	V
قوة مقننه			V
سازمان تأمین اجتماعی			

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

### ۵-۲. محاسبه ماتریس دسترسی

در گام بعدی براساس اطلاعات به‌دست‌آمده ماتریس دسترسی اولیه محاسبه شد. بدین منظور، با جای‌گذاری اعداد متناظر هر یک از نمادها به‌صورت زیر در ماتریس حاصل از مرحله قبل، ماتریس دسترسی اولیه تشکیل می‌گردد (جدول ۵).

جدول ۵. ماتریس دسترسی اولیه

سیاست‌های کلان	قوة مجریه	قوة مقننه	سازمان تأمین اجتماعی
سیاست‌های کلان	۱	۱	۱
قوة مجریه	۰	۰	۱
قوة مقننه	۰	۱	۱
سازمان تأمین اجتماعی	۰	۰	۰

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

در مرحله بعد ماتریس دسترسی نهایی محاسبه می‌شود. بدین منظور، ماتریس دسترسی اولیه تا زمانی که بتوان رسانده می‌شود که با ماتریس قبل از خود برابر گردد. محاسبات در نرم‌افزار متلب انجام گردید. نتیجه محاسبات که در واقع ماتریس دسترسی نهایی است، در **جدول ۶** آمده است.

جدول ۶. ماتریس دسترسی نهایی

سیاست‌های کلان	قوة مجریه	قوة مقننه	سازمان تأمین اجتماعی
سیاست‌های کلان	۱	۱	۱
قوة مجریه	۰	۰	۱
قوة مقننه	۰	۱	۱
سازمان تأمین اجتماعی	۰	۰	۱

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

### ۳-۵. افرازبندی سیستم (مدل) به سطوح مختلف

در این بخش ابتدا با توجه به ماتریس دسترسی نهایی، جدول تناوب اول تشکیل می‌شود. بدین منظور، برای هر یک از عوامل (سیاست‌های کلان با نماد ۱، قوه مجریه با نماد ۲، قوه مقننه با نماد ۳ و سازمان تأمین اجتماعی با نماد ۴) مجموعه دسترسی، مقدم و اشتراک دو مجموعه مذکور مشخص می‌گردد. برای مثال مجموعه دسترسی متغیر با نماد ۱ که نشان‌دهنده سیاست‌های کلان است، در واقع عامل‌هایی است که در سطر مربوط به متغیر با نماد ۱ دارای مقدار عدد ۱ است که با توجه به ماتریس دسترسی چون در سطر اول تمام درایه‌ها برابر با عدد یک است؛ بنابراین مجموعه دسترسی عامل مذکور مجموعه {۱، ۲، ۳، ۴} می‌شود. همچنین مجموعه مقدم متغیر با نماد ۱ عامل‌هایی است که در ستون مربوط به متغیر با نماد ۱ دارای مقدار عدد ۱ است.

پس از تکمیل جدول تناوب اول، هر عنصری که مجموعه دسترسی پذیر و اشتراک یکسان داشته باشد، در سطح ۱ قرار می‌گیرد.

جدول ۷. جدول تناوب اول

متغیر	مجموعه دسترسی	مجموعه مقدم	اشتراک	سطح
۱	۱، ۲، ۳، ۴	۱	۱	-
۲	۲، ۴	۱، ۲، ۳	۲	-
۳	۲، ۳، ۴	۱، ۳	۳	-
۴	۴	۱، ۲، ۳، ۴	۴	۱

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

با توجه به نتایج جدول تناوب اول (جدول ۷)، متغیر سازمان تأمین اجتماعی در سطح اول قرار گرفت.

پس از تعیین عوامل سطح اول، سطر و ستون متناظر با عامل‌هایی که در این سطح قرار گرفته، از ماتریس دسترسی نهایی حذف گردید و جدول تناوب دوم متناظر با دسترسی نهایی جدید تشکیل شد.

به‌منظور ادامه فرایند ISM، از ماتریس دسترسی نهایی سطر و ستون متغیر سازمان تأمین اجتماعی (که سطح آن مشخص گردید) حذف شد.

در گام بعدی با توجه به ماتریس حاصل، جدول تناوب دوم تشکیل داده شد (جدول ۸).

جدول ۸. جدول تناوب دوم

متغیر	مجموعه دسترسی	مجموعه مقدم	اشتراک	سطح
۱	۱،۲،۳	۱	۱	-
۲	۲	۱،۲،۳	۲	۲
۳	۲،۳	۱،۳	۳	-

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

با توجه به نتایج جدول تناوب دوم (جدول ۸)، متغیر قوه مجریه در سطح دوم قرار گرفت. به‌منظور ادامه فرایند ISM، از ماتریس دسترسی نهایی سطر و ستون متغیر قوه مجریه (که سطح آن مشخص گردید) حذف شد.

در گام بعدی با توجه به ماتریس حاصل جدول تناوب سوم تشکیل داده شد (جدول ۹).

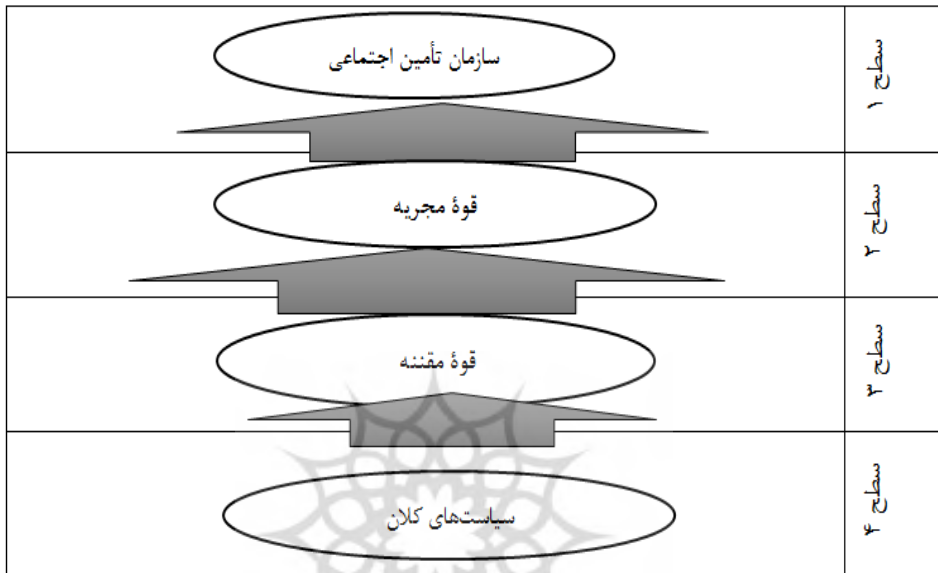
جدول ۹. جدول تناوب سوم

متغیر	مجموعه دسترسی	مجموعه مقدم	اشتراک	سطح
۱	۱،۳	۱	۱	-
۳	۳	۱،۳	۳	۳

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

در جدول تناوب دوم، متغیر قوه مقننه در سطح دوم قرار گرفت. با حذف متغیر مذکور از ماتریس دسترسی فقط یک متغیر سیاست‌های کلان باقی می‌ماند که این متغیر نیز

در سطح چهارم قرار می‌گیرد و با مشخص شدن سطوح ۴ متغیر مورد بررسی، مدل ISM مربوط به متغیرهای اصلی مشخص می‌شود.



شکل ۲. سطح‌بندی شاخص‌های استقلال مالی و اداری سازمان تأمین اجتماعی با ISM

با توجه به نتایج سطح‌بندی عوامل مورد بررسی با استفاده از روش ISM، می‌توان گفت سیاست‌های کلان اثرگذارترین عامل است؛ در صورتی که عواملی مانند قوه مقننه و قوه مجریه هر دو حالت اثرگذاری و اثرپذیری را دارند و همچنین سازمان تأمین اجتماعی در بین ۴ معیار مذکور، فقط اثرپذیر است (شکل ۲). از روابط حاصل برای برطرف کردن چالش‌های استقلال مالی و اداری سازمان تأمین اجتماعی استفاده شده است.

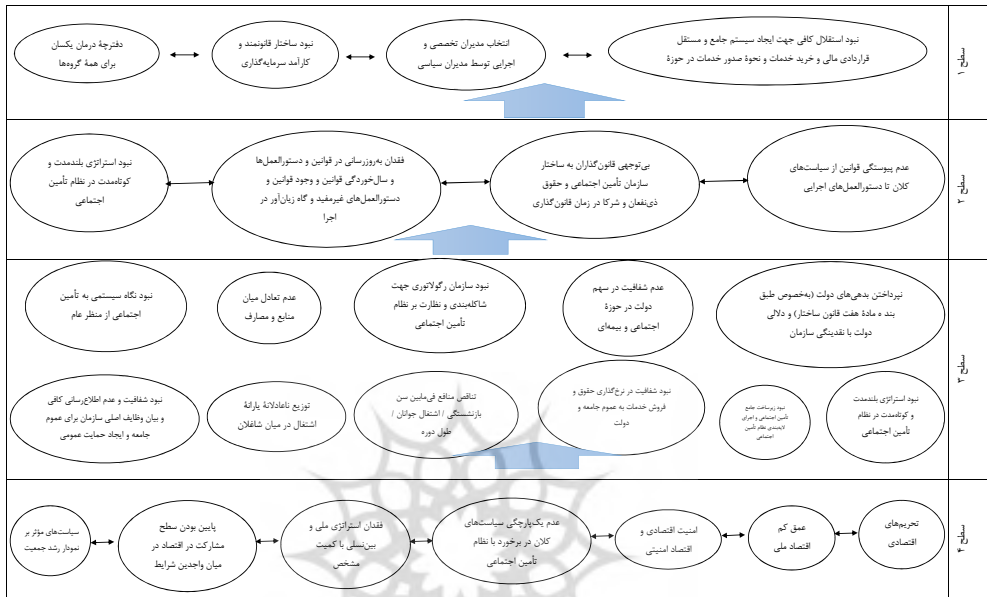
#### ۴-۵. سطح‌بندی زیرشاخص‌های استقلال مالی و اداری سازمان تأمین اجتماعی با ISM

با مطالعه چالش‌های استقلال مالی و اداری سازمان تأمین اجتماعی، ۴ شاخص (سیاست‌های کلان، قوه مجریه، قوه مقننه و سازمان تأمین اجتماعی) در بخش قبل با استفاده از ISM سطح‌بندی گردید. برای هر یک از عوامل نیز زیرشاخص‌هایی با استفاده از روش دلفی - در مجموع ۳۶ عامل - تعیین شد. در این بخش، این ۳۶ عامل به کمک ISM سطح‌بندی می‌شود.

جدول ۹. ماتریس خودتعاملی ساختاری زیرشاخص های استقلال مالی و اداری سازمان تأمین اجتماعی

S4	S3	S2	S1	L3	L2	L1	E7	E6	E5	E4	E3	E2	E1	P12	P11	P10	P9	P8	P7	P6	P5	P4	P3	P2	
O	O	O	O	O	O	O	V	V	V	V	V	V	O	O	O	O	O	O	O	O	O	O	O	O	P1
O	O	O	O	O	O	O	O	X	V	O	X	O	O	O	X	O	O	O	O	O	A	O	X		P2
O	O	O	O	O	O	O	X	V	O	V	O	O	O	O	O	O	X	O	V	O	O	O			P3
O	O	O	O	O	O	O	O	V	V	V	V	V	O	O	X	O	O	O	O	O	O	O			P4
O	O	O	O	O	O	O	O	V	V	V	O	O	O	O	O	O	O	O	O	O					P5
O	O	O	O	O	O	O	V	O	V	O	V	V	O	O	X	O	O	O	O						P6
O	O	O	O	O	O	O	O	X	O	V	V	O	O	X	O	O	O	O							P7
O	O	O	O	O	O	O	V	V	V	V	O	O	O	O	O	O	V	O							P8
O	O	O	O	O	O	O	V	V	V	O	O	O	O	O	O	O									P9
O	O	O	O	O	O	O	V	V	V	V	V	A	O	X	O										P10
O	O	O	O	O	O	O	O	O	V	O	X	A	O	O											P11
O	O	O	O	O	O	O	O	V	V	V	V	O	O												P12
O	O	O	O	V	V	V	O	O	V	X	X	X													E1
O	O	O	O	V	O	V	V	O	O	O	A														E2
O	O	O	O	O	O	V	O	O	O	O															E3
O	O	O	O	O	V	O	X	V	O																E4
O	O	O	O	X	X	V	O	O																	E5
O	O	O	O	V	O	O	O																		E6
O	O	O	O	V	O	O																			E7
V	O	V	V	X	X																				L1
O	V	O	V	O																					L2
V	O	V	O																						L3
V	V	O																							S1
O	V																								S2
O																									S3
																									S4

مشابه فرایندهای قبلی، ماتریس دسترسی اولیه، ماتریس دسترسی نهایی و سطح‌بندی عوامل با استفاده از روش ISM و اجرای روش در نرم‌افزار متلب محاسبه گردید (شکل ۳).



شکل ۳. سطح بندی زیرشاخص‌های استقلال مالی و اداری سازمان تأمین اجتماعی با ISM

با توجه به نتایج چالش‌هایی همچون ورشکستگی قریب‌الوقوع صندوق‌های باقی‌مانده در حوزه تأمین اجتماعی، برخورد چندگانه و گاه متناقض با نظام تأمین اجتماعی، روش‌های اجرایی و سیاست‌گذاری‌ها، رعایت نکردن قوانین سالیانه بودجه و برنامه‌های پنج‌ساله در خصوص سازمان و نظام تأمین اجتماعی توسط دولت و یا مصادره به مطلوب، نبود ضمانت اجرایی برای وظایف و تعهدات در تمام شاخه‌های نظام تأمین اجتماعی به خصوص در سازمان تأمین اجتماعی، سوءاستفاده از شرایط مختلف بازنشستگی در میان برخی و برخوردار نبودن از حقوق حقه در برخی دیگر، فساد در جهت قرارگیری در گروه‌های مورد حمایت ویژه، ورود سازمان‌های نظارتی بدون الزام قانون و یا درخواست سازمان، و درهم آمیخته کردن امنیت اجتماعی با میزان بازده یک سازمان عمومی غیردولتی از منظرهای مختلف وجود دارد. با وجود این، در مدل ISM، زیرشاخص‌هایی همچون تحریم‌های اقتصادی، عمق کم اقتصادی، امنیت اقتصادی و امنیت اقتصادی، عدم یکپارچگی سیاست‌های کلان در برخورد با نظام تأمین اجتماعی، فقدان استراتژی ملی و بین‌نسلی با کمیت مشخص، پایین

بودن سطح مشارکت در اقتصاد در میان واجدین شرایط اشتغال و سیاست‌های حاکم بر نمودار رشد جمعیت مهم‌ترین و اثرگذارترین چالش‌های استقلال مالی و اداری سازمان تأمین اجتماعی است که باید مدیران و سیاست‌گذاران سازمان، به‌منظور استقلال مالی و اداری نظام و سازمان تأمین اجتماعی، به زیرشاخص‌های مذکور بیش از همه توجه کنند. عوامل مذکور در سطح چهارم بر عواملی همچون نبود شفافیت و فقدان اطلاع‌رسانی کافی و بیان وظایف اصلی سازمان برای عموم جامعه و ایجاد حمایت، توزیع ناعادلانهٔ یارانهٔ اشتغال در میان شاغلان، تناقص منافع فی‌مابین سن بازنشستگی/ اشتغال جوانان/ طول دوره و بقیهٔ زیرشاخص‌های سطح سوم اثرگذار هستند و این فرایند تا سطح اول به‌طور مشابه برقرار است. درواقع زیرشاخص‌ها از سطح چهارم به بالا، میزان درجهٔ اهمیت و اثرگذاری‌شان در بحث استقلال مالی و اداری سازمان تأمین اجتماعی کاهش می‌یابد.

### ۶. تعیین روابط شاخص‌ها با استفاده از روش دیمتل

پس از برگزاری جلسات و تعیین شاخص‌ها و زیرشاخص‌ها، روابط معیارهای اصلی با استفاده از دیمتل بررسی شده است. یافته‌های پژوهش براساس پرسش‌نامهٔ دیمتل به‌منظور ارزیابی تأثیر هریک از عوامل در یکدیگر، بر مبنای نظر خبرگان و مدیران و سیاست‌گذاران تأمین اجتماعی به‌عنوان ماتریس اولیهٔ ارتباط مستقیم در جدول ۱۰ آورده شده است. این جدول میانگین نظرات خبرگان را درخصوص تأثیر هریک از شاخص‌های موجود در سطر بر شاخص‌های موجود در ستون نشان می‌دهد و به‌عنوان ورودی روش دیمتل استفاده می‌گردد.

جدول ۱۰. ماتریس ارتباط مستقیم برای معیارهای اصلی

سازمان تأمین اجتماعی	قوهٔ مقننه	قوهٔ مجریه	سیاست‌های کلان
۱/۲۶	۲/۸	۲/۲	سیاست‌های کلان
۲/۴	۰	۰	قوهٔ مجریه
۲/۸	۰	۰/۸	قوهٔ مقننه
۰	۰	-	سازمان تأمین اجتماعی

در گام دوم، ماتریس ارتباط مستقیم به وسیله رابطه ۳ نرمال می‌شود. جدول ۱۱ ماتریس نرمال شده را نشان می‌دهد.

جدول ۱۱. ماتریس ارتباط مستقیم نرمال شده

سازمان تأمین اجتماعی	قوة مقننه	قوة مجریه	سیاست‌های کلان
.	۰/۲۱۷	۰/۲۶۴	سیاست‌های کلان
۰/۱۲۹	۰/۳۰۲	.	قوة مجریه
.	.	۰/۱۷۷	قوة مقننه
.	۰/۲۱۷	۰/۲۵۱	سازمان تأمین اجتماعی

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

در گام بعد، با استفاده از ماتریس ارتباط مستقیم نرمال شده، ماتریس ارتباط کل در نرم‌افزار متلب محاسبه شده است.

جدول ۱۱. ماتریس ارتباط (T)

سازمان تأمین اجتماعی	قوة مقننه	قوة مجریه	سیاست‌های کلان
۰/۵۲۹	۰/۴۳۳	۰/۳۹۴	سیاست‌های کلان
۰/۳۷۱	.	.	قوة مجریه
۰/۴۷۹	.	۰/۱۲۳	قوة مقننه
.	.	.	سازمان تأمین اجتماعی
۰/۱۴۵	.	.	حد آستانه

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

در جدول ۱۲ نتایج مربوط به اثرگذاری یا اثرپذیری عوامل آورده شده است.

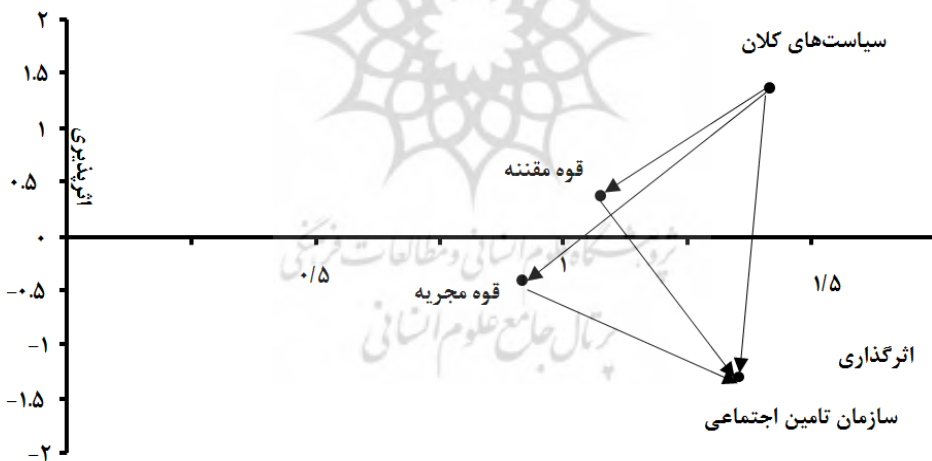


جدول ۱۲. مقادیر مجموع ردیفی و ستونی و شدت تعامل و اثرگذاری عوامل

	$T_2$	$T_1$	$(T_1 + T_2)$	$(T_1 - T_2)$
سیاست‌های کلان	۱/۳۵۷	۰	۱/۳۵۷	۱/۳۵۷
قوة مجریه	۰/۳۷۱	۰/۵۱۸	۰/۸۸۹	- ۰/۱۴۶
قوة مقننه	۰/۶۰۳	۰/۴۲۳	۱/۰۳۶	۰/۱۶۹
سازمان تأمین اجتماعی	۰	۱/۳۸۰	۱/۳۸۰	- ۱/۳۸۰

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

با توجه به نتایج، عواملی نظیر سیاست‌های کلان و قوة مقننه با کسب مقادیر مثبت برای  $(T_1 - T_2)$  به‌عنوان عوامل اثرگذار، و قوة مجریه و سازمان تأمین اجتماعی با کسب مقادیر منفی به‌عنوان عوامل اثرپذیر شناسایی شده‌اند.



فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

شکل ۴. روابط علت و معلولی معیارها

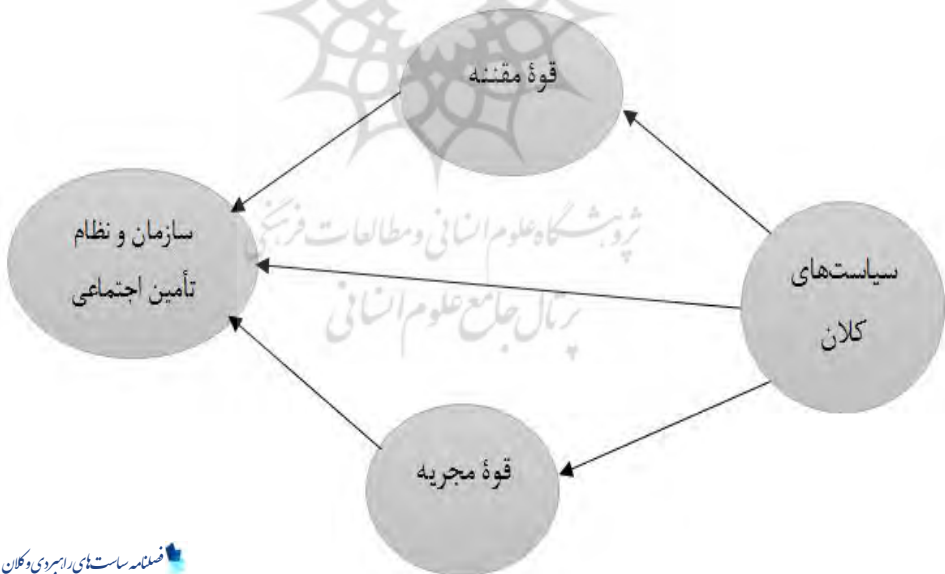
سپس میانگین ماتریس  $T$  که برابر با مقدار  $۰/۱۴۵$  شد، حد آستانه در نظر گرفته شد. در ادامه درایه‌های ماتریس  $T$  که مقدار آن کوچک‌تر از حد آستانه ( $۰/۱۴۵$ ) بود، برابر با صفر و چنانچه بزرگ‌تر از مقدار حد آستانه بود، با عدد ۱ مقداردهی شد (جدول ۱۳).

جدول ۱۳. ماتریس روابط

سازمان تأمین اجتماعی	قوة مقننه	قوة مجريه	سياست‌های کلان
سیاست‌های کلان	۱	۱	۰
قوة مجريه	۰	۰	۰
قوة مقننه	۰	۰	۰
سازمان تأمین اجتماعی	۰	۰	۰
حد آستانه	۰/۱۴۵		

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

در نهایت با در نظر گرفتن اعداد ۱ در درایه‌های ماتریس روابط (جدول ۱۲) که نشان‌دهنده رابطه بین دو مؤلفه نظیر آن درایه است، نقشه روابط شبکه معیارهای اصلی ترسیم گردید (شکل ۴).



فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان

شکل ۵. نگاهت تأثیر رابطه شاخص‌های استقلال مالی و اداری سازمان تأمین اجتماعی با دیمتل

## ۷. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در بررسی ماهیت و شکل عوامل مختلف ناشی از «تأثیر سیاست‌های کلان بر استقلال مالی و اداری نظام تأمین اجتماعی» و همچنین عوامل متأثر از قوه مجریه، قوه مقننه و سازوکار قانون‌گذاری و البته سازمان تأمین اجتماعی بر موضوع پژوهش و تجزیه و تحلیل عوامل متأثر از سیاست‌های کلان، نحوه تأثیر آن‌ها در سطوح و لایه‌های سیاسی و مدیریتی کشور به‌عنوان اثرگذارترین عوامل (مستقیم) شناسایی و معرفی شد. البته عوامل ناشی از قوه مقننه و قوه مجریه نیز عوامل میانی (اثرگذار و اثرپذیر) شناخته شده‌اند. در نهایت سازمان تأمین اجتماعی نیز اثرپذیرترین لایه می باشد. لازم است ذکر شود که بازخورد رفتارهای سیاسی و سلايق مدیریتی به‌صورت غیرمستقیم از مهم‌ترین عوامل اثرگذار است که در مقالات آتی نویسندگان به آن اشاره خواهد شد.

با توجه به نتایج سطح‌بندی زیرشاخص‌های مرتبط با چالش‌های استقلال مالی و اداری سازمان تأمین اجتماعی، پیشنهادهایی برای رفع چالش‌های استقلال مالی و اداری سازمان و نظام تأمین اجتماعی از حوزه سیاست‌های کلان ارائه می‌شود:

- ایجاد ستاد بحران برای جلوگیری از ورشکستگی سازمان تأمین اجتماعی؛
- شفاف‌سازی در مالکیت و ذی‌نفعان سازمان تأمین اجتماعی با میزان حق جهت تضمین افکار عمومی و تشویق آن‌ها به مشارکت در صندوق‌های مشابه و مدیریت آن‌ها؛
- ترسیم استراتژی و فضای ویژه در اقتصاد مقاومتی با دید بلندمدت؛
- استانداردسازی مبانی و تعاریف در سازمان و نظام تأمین اجتماعی و تدوین استراتژی در راستای توسعه پایدار برای صندوق‌های بین‌نسلی با مشارکت هر سه قوه نظام مقدس ج.ا. ایران؛
- ترسیم عدالت به‌جای مساوات در تقسیم منابع عمومی و منابع گروه‌های خاص؛
- ترسیم ضمانت اجرایی برای حمایت از ساختار و تعهدات سازمان و نظام تأمین اجتماعی؛
- ایجاد نگاه سیستمی به نظام تأمین اجتماعی در سطوح مختلف نظام مقدس ج.ا. ایران؛
- افزایش ضریب بیمه در کشور با فرهنگ‌سازی و تسهیل در خدمات‌رسانی در سطح کلان.

## ملاحظات اخلاقی

### حامی مالی

این مقاله حامی مالی ندارد.

### مشارکت نویسندگان

تمام نویسندگان در آماده‌سازی این مقاله مشارکت کرده‌اند.

### تعارض منافع

بنابه اظهار نویسندگان، در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

### تعهد کپی‌رایت

طبق تعهد نویسندگان، حق کپی‌رایت (CC) رعایت شده است.



## References

- Ahmadi Shadmehri, M. T., & Davoodi, A. (2015). "The role of government's expenses in supporting socio-economic structures and reducing poverty in Iran". *Quarterly Journal of the Macro and Strategic Policies*, 3(10), 1-16. (Persian)
- Ataee, M. (2010). *Multi-dimensional phase decision making*. Shahrood: Shahrood Industrial University Publication. (Persian)
- Azar, A., Khosravani, F., & Jalali, R. (2013). *Research in soft operation: approaches to the structuralization of the issue*. Tehran: Industrial Management Publication. (Persian)
- Dempsey, P. A., Dempsey, A. D. (2000). *Using nursing research: Process, critical evaluation, and utilization*. Lippincott Williams & Wilkins.
- Ebrahim Nezhad, A., & Karimi, M. (2019). "Challenges of governing in pension resources". *Journal of Social Security*, 14(3), 91-104. (Persian)
- Hafeznia, M. (2008). *An introduction to research method in humanities*. Tehran: SAMT. (Persian)
- Hahn, E. J., Rayens, M. K. (1999). "Consensus for tobacco policy among former state legislators using the policy Delphi method". *Tobacco Control*, 8(2), 137-40.
- Hasan Zadeh Esfahani, M. (2008). "Actuary in social security". *Journal of Social Security*, 9(29), 19-27. (Persian)
- Karim Nezhad, Sh., Najaf Beigi, R., Daneshfard, K., & Allam Tabriz, E. (2014). "Designing a pattern of financial governance in social security organization: a grounded theory". *Research in Insurance*, 33(4), 63-79. (Persian)
- Khandan, A., & Rezaee Zavieh, M. (2014). "The role of financial markets in reforming pension system". *Journal of Social Security*, 13(4), 61-80. (Persian)
- Modiri, N., & Hadadi Nias, H. (2013). "Passive defense consideration in IT of social security organization". *Journal of Passive Defense and Security*, 4(12), 125-144. (Persian)
- Molla Mohammadi, R., & Mostofi, M. (2014). "Analyzing the factors of social security success in paying the pension: the case study of Qom's social security organization". *Organizational Culture Management*, 32, 299-323. (Persian)
- Najafi Nasab, H., Rezazadeh, M., Ghodrati, M. (2014). "Analyzing the relationship between social security organization expenses and economic growth of Iran". *Journal of Social Security*, 13(1), 39-56. (Persian)

- Plamondon, P. (2014). *Actuary in social security pension* (translated into Farsi by social security organization of armed forces). Tehhnan: Jahad Sazandegi Publication. (Persian)
- Rabie, A., & Heidari, A. (2017). *Welfare and social security: from theory to practice*. Tehran: Elmi and Farhangi Publication. (Persian)
- Rahmani, E., Vaziri Nezhad, R., Ahmadi Nia, H., & Rezaeean, M. (2020). "Principles of methodology and the uses of Delphi method: a validity review". *Journal of Rafsanjan Medical University*, 19(5), 515-538. (Persian)
- Raut, R. D., Narkhede, B., Gardas, B. B. (2017). "To identify the critical success factors of sustainable supply chain management practices in the context of oil and gas industries: ISM approach". *Renew. Sustain. Energy Rev*, 68(1), 33-47.
- Rosenthal, R., Hoffmann, H., Clavien, P. A., Bucher, H. C., Dell-Kuster, S. (2015). "Definition and classification of intraoperative complications (CLASSIC): Delphi study and pilot evaluation". *World Journal of Surgery*, 39(7), 1663-71.
- Shakerian, M., Jahangirib, M., Alimohammadlou, M., Nami, M. O., Choobineh, A. (2019). "Individual cognitive factors affecting unsafe acts among Iranian industrial workers: An integrative meta-synthesis interpretive structural modeling (ISM) approach". *Safety Science*, 120, 89-98.
- Shirdel, R. (2019). "Analyzing Iran's health system considering the conflict of structural interest: a financial perspective". *Journal of Social Security*, 15(1), 113-125. (Persian)
- Skulmoski, G. J., Hartman, F. T., Krahn, J. (2007). "The Delphi method for graduate research". *Journal of Information Technology Education: Research*, 6(1), 1-21.
- Taban, M., Hashemi, M., & Mahmoodian, M. (2013). "The factors of improving human resource productivity in social security branches in eastern Tehran". *Social Welfare Quarterly*, 63, 159-183. (Persian)
- Tabatabaee Hesari, N. (2017). "Financial supervision of social security organization". *Public Law Research*, 19(57), 203-225. (Persian)
- Tichy, G. (2001). "The decision Delphi as a tool of technology policy-the Austrian experience". *International Journal of Technology Management*, 21(7-8), 756-66.